

من سال‌ها دستگیری کردم و کارگردان تئاترهای مختلف بودم. در این سال‌ها فکر می‌کنم شناخت خیلی خوبی روی بازیگرها دارم و با بسیاری‌شان هم کار کردم. زمانی که قرار شد این سریال را کارگردانی کنم با آقای پناهی سر نقش‌ها صحبت کردم و یک اتحاد فکری خوبی من و ایشان داشتیم و به لحاظ فکری و ذهنی خیلی شبیه به هم بودیم. تقریباً می‌توانم بگویم تمام بازیگر نقش‌ها، اولین گزینه‌های ما بودند غیر از دو سه نقش که سراغ بازیگر دیگری رفتیم.

پس با این حساب به تیپ مدنظرتان رسیدید.

بله، الان تقریباً می‌توانم بگویم از بیشتر بازیگرهایم راضی هستم و به نظرم خیلی کار خوبی شده ولی بازیگرها و مردم باید نظر بدهند.

فصل بعدی این سریال را هم شما می‌سازید؟

خودم خیلی دوست دارم و اصولاً مستوران این قابلیت را دارد که شاید ۱۰ فصل هم ساخته شود و ادامه پیدا کند و این شخصیت‌ها همین طور که در فصل یک، بیست سال جلو رفتند و بچه‌ها بزرگ شدند، می‌توانند این بار دیگر بچه‌ها بزرگ شوند و بزرگ‌ترها پیر، و آدم‌های جدیدی وارد داستان شوند و داستان‌های فرعی ایجاد شود. چون مستوران یک شهر است که در مرکز داستان قرار دارد، می‌تواند ادامه پیدا کند و خودم هم خیلی دوست دارم فصل سوم ساخته شود. در حال حاضر هم داستان‌ها را داریم و حجم زیادی از سیناپس را هم نوشتیم و اگر تلویزیون و سازمان اوج بخواهند حتماً ادامه می‌دهیم.

برای فصل جدید اگر بخواهید آن را بسازید از همین بازیگرها استفاده می‌کنید یا بازیگرهای جایگزین وارد می‌کنید؟

تعداد زیادی از بازیگرها قطعاً همین بازیگرها خواهند بود و یک تعدادی هم بازیگر اضافه می‌شوند.

اگر سریال دیگری بخواهید بسازید، ترجیح می‌دهید در چه حوزه‌ای باشد؟

اصولاً من مولودرام‌های عاشقانه را خیلی دوست دارم و ترجیح می‌دهم کارهای عاشقانه بسازم. به نظرم عشق یک حس ابدی و ازلی است که همیشه در انسان بوده، هست و خواهد بود. جدا از این یکی از دغدغه‌های اصلی من در فیلمسازی داستان‌گویی است که آن را از همه چیز بیشتر دوست دارم و دلم می‌خواهد در فیلم، سریال، تئاتر و هر کاری که انجام می‌دهم داستان بگم و تماشاگرها محو این داستان شوند و بنشینند داستان را نگاه کنند.

این روزها شاهدیم که بسیاری از کارگردان‌ها راغب‌ترند که با شبکه‌های خانگی کار کنند چرا شما تصمیم گرفتید با تلویزیون کار کنید؟

من در طی سال‌های دستگیری ام کارهای بسیاری برای تلویزیون انجام دادم و سریال‌های بلندی را با تلویزیون کار کردم و از سوی دیگر مدیوم کارهای تلویزیون را خیلی دوست دارم به طوری که احساس می‌کنم هیچ پلتفرم و هیچ نمایشی مثل تلویزیون نمی‌تواند روی جامعه تأثیرگذار باشد. اما اگر بخواهم درباره مستوران صحبت کنم باید بگویم که وقتی من به گروه پیوستم به هر حال مستوران یک، قبلاً ساخته شده بود و برندی برای تلویزیون بود و اصلاً به سفارش تلویزیون کار ساخته شده بود. طبیعتاً ما اگر بخواهیم باز هم مستوران را بسازیم باز هم برای تلویزیون می‌سازیم.

مناسب بودند، جدا کردم و آن‌هایی که به محتوا شبیه بودند به ابتدای هر قسمت اضافه می‌کردم. من این حس را ندارم که این ابیات چیزی را لومی‌دهند یا به اشعار رمز آلودی نیاز بوده باشد. به هر حال چون یکی از اهدافمان در مستوران آشنا کردن تماشاگر با ادبیات و قصه‌های کهن بوده است، فکر می‌کنم این شعرها می‌توانند خیلی ما را به هدفمان نزدیک‌تر کند.

به نظر شما این اثر در امر اقتباس از کهن داستان‌هایی که ما داریم به چه اندازه موفق بوده؟

بسیار زیاد. در خیلی از مواقع از حکایات گلستان استفاده شده، از مثنوی معنوی استفاده شده یا از شاهنامه خیلی استفاده شده. اما این استفاده تابلو نبوده و آنقدر در پس زمینه ماجراها آمده و آنقدر این اقتباس‌ها تمیز صورت گرفته که اصلاً تماشاگر متوجه نمی‌شود و ناخودآگاه پیام آن داستان را می‌گیرد، بدون اینکه منبع لو برود که کجاها اقتباس شده اما متن سراسر اقتباس است.

چقدر بر روی طراحی لباس تخصصی مربوط به دوران صفویه اطلاعات داشتند؟

خانم زکی‌زاده که طراح لباس ما است، یکی از مسلط‌ترین و بهترین طراح‌های لباس ایران مخصوصاً در زمینه کارهای تاریخی است. ایشان تسلط قابل قبولی به دوره‌های تاریخی دارند و به هر حال یک بخش‌هایی از لباس‌ها را هم به روز رسانی کردند. فکر می‌کنم یکی از

تولید سریال‌های تاریخی کار بسیار دشواری است به لحاظ دکور، صحنه، لباس، گریم و این‌ها برای بازیگرها هم سخت است، ولی مهم‌ترین چیزی که در تولید برای کارگردان و گروه کارگردان خیلی ایجاد چالش می‌کند، خلق دکور و لوکیشن مدنظر است. زیرا شما حتی برای یک برداشت ساده نمی‌توانید هر جایی فیلمبرداری کنید و حتماً باید بروید خارج از شهر در کوه و بیابان

نقاط قوت این سریال هم طراحی لباس باشد چون پر از جزئیات و رنگ‌های جذاب است و خانم زکی‌زاده هم پر از ایده بودند و به نظرم خروجی کار در این زمینه درخشان بود.

درباره لباس‌ها و گریم قبیله وحشی هم بگویید که شبیه سرخ پوست‌ها شده و حتی زیورآلات آنها را داشته. چرا به این سمت رفتید؟

الزاماً خط و خطوطا سرخ پوستی نیست. مستوران زمان و مکان بسیاری دارد و ما فقط به دلیل اینکه انسجام داشته باشیم، صفویه را در نظر گرفتیم یعنی حدود ۵۰۰ سال پیش و طبیعتاً در دوران صفویه اصلاً قبیله وحشی‌ها نداشتیم و این چیزی است زباید ذهن نویسنده و یک جور خیال‌پردازی نویسنده است. و اصلاً به این فکر نکردیم که شبیه به سرخ پوست‌ها شوند بلکه فقط می‌خواستیم حالت متفاوتی داشته باشد در لباس‌ها و گریم‌ها هم یک بدویتی داشته باشد که مهم‌ترین نشانه این بدویت هم خال‌ها و سه خط روی چانه‌هاشان است.

با توجه به پیش فرض ذهنی که در رابطه با انتخاب بازیگرها داشتید آیا به نتیجه مطلوب و مورد نظر خودتان رسیدید؟

لباس پوشیدن هنرورها، اسب سواری‌ها، شمشیر زنی‌ها و این‌ها همه کار را پیچیده می‌کند و مهم‌ترین چالش ما در فیلم مستوران هم این موضوعات بود، غیر از اینکه به هر حال سریال تاریخی به لحاظ گویش برای بازیگرها یک گویش خاص دارد که کار را دشوارتر می‌کند.

برای اینکه بازیگرها بتوانند به بهترین شکل دیا لوگ‌های قدیمی را ادا کنند، آیا از مشاور ادبی استفاده کردید؟

خب کار که مشاوران مختلفی داشت، ولی اساساً آقای حنیف ادیب و نویسنده بزرگی است که تسلط بسیار زیادی به ادبیات ایرانی دارند و ایشان متن فیلمنامه را خیلی دقیق نوشتند. در واقع این متن آنقدر دقیق نوشته شده که به لحاظ زبان گویش و اشاراتی که به موضوعات مختلف داشت، کاملاً قابل اتکا بود و نیازی نبود به مشاور دیگری که سر فیلمبرداری بیاید. اگر هم جایی چالشی داشتیم خود آقای حنیف در صحنه حاضر می‌شد و کمک می‌کرد.

دلیل استفاده از اشعار در ابتدای هر قسمت چه بود و آیا فکر نمی‌کنید این اشعار باعث لو رفتن داستان می‌شود؟

همه اشعاری که در ابتدای هر قسمت خوانده شده، با هنرمندی ثریا قاسمی دکلمه شده است. اشعار هم از سعدی است و من با اشعار سعدی مانوس هستم و یکسری اشعاری که به هر حال به فضای کار می‌خورند و

ماجراهای شهر خیالی

سید علی هاشمی، کارگردان سریال «مستوران»

- مستوران شهری ساخته تخیل نویسنده است که اصلاً چنین شهری در کشور ما وجود ندارد.
- زمان روایت این قصه به پانصد سال پیش مربوط می‌شود که ما در طراحی صحنه و لباس همین پانصد سال پیش و دوره صفویه را در نظر گرفتیم و سعی کردیم به آن دوران نزدیک شویم. دوره صفویه، دوره‌ای است که از فصل یک برای این سریال در نظر گرفته شده است و از آنجا که سریال با نگاهی به رمان «مستوران» محمد حنیف نوشته شده بهترین زمان برای روایت قصه‌اش همان دوران است.
- رمان «مستوران» توسط انتشارات دوچرخه به چاپ رسیده که البته هنوز منتشر نشده است.
- اهمیت دادن به افسانه‌ها برای من اتفاق خوشحال‌کننده‌ای است و یکی از ویژگی‌های «مستوران» این است که ما از مستقیم‌گویی فاصله گرفته‌ایم و شعار نمی‌دهیم. نسل امروز با شعار دادن مشکل دارد و مستقیم‌گویی را دوست ندارد و «مستوران» هم به همین دلیل از این فضا فاصله گرفته است. به عنوان کارگردان برای من آنچه که در فیلمنامه حائز اهمیت بود و باید بگویم آنچه که در فیلمسازی برای من ارجح‌تر از هر مسئله‌ای است قصه‌گویی است و می‌توانم بگویم یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های «مستوران» قصه‌گو بودن آن است. این اولین هدف من از ساخت یک فیلم یا سریال است ولی شاید برخی فیلمسازان از ساخت یک اثر سینمایی یا تلویزیونی اهداف دیگری هم دنبال کنند که برخی تماشاگران به آن‌ها علاقه دارند و آن‌ها را دنبال می‌کنند.